|  |  |
| --- | --- |
|  |  |

بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[مراحل فقه شیعه 1](#_Toc428701361)

[اهمیت تاریخ 1](#_Toc428701362)

[توجه به سیر تاریخی 2](#_Toc428701363)

[سیر تاریخی عندالخاصة 2](#_Toc428701364)

[مفهوم فلسفه علم 2](#_Toc428701365)

[جمع‌بندی 2](#_Toc428701366)

[تقسیمات تاریخ 3](#_Toc428701367)

[تأثیر و تأثر در نقلیات 3](#_Toc428701368)

[نگاه تحلیلی تاریخی در فقه 3](#_Toc428701369)

[توجه به تطورات تاریخی 4](#_Toc428701370)

[لزوم طبقه‌بندی فقه 4](#_Toc428701371)

[تاریخ پیدایش قواعد فقهی 4](#_Toc428701372)

# مراحل فقه شیعه

در جلسه گذشته شش مرحله از فقه شیعه موردبررسی قرار گرفت. و در حقیقت پس از بررسی این ادوار، تاریخ مسئله همانند نزح بئر به‌عنوان جزیی از خود علم در تاریخ علم موردبررسی قرار می‌گیرد که این حالت بررسی درون علمی نام دارد. اما وقتی به تاریخ علم مراجعه می‌کنیم نگاه خارج از خود علم خواهد شد. برخی تاریخ علم را در برخی اصطلاحات مشمول فلسفه علم می‌دانستند.

# اهمیت تاریخ

به‌این‌ترتیب من بخشی از نکات و ملاحظاتی که یادداشت کردم خدمتتان عرض می‌کنم. یک ملاحظه این است که تاریخ اهمیت خودش را دارد. یعنی آشنایی با تاریخ، چه تاریخ یک مسئله، یا باب یا فصل یا تاریخ یک علم و دانش، یا تاریخ مؤسسات علمی و دانشی در سطوح مختلف این نقش خود را دارد. در تسهیل و تسریع در اجتهاد و چیزهایی از این قبیل. بنابراین اصل بررسی تاریخی اهمیت ویژه‌ای را داراست، از مسئله ریز بگیرید که سیر تاریخی آن را کسی بررسی بکند، تا خود یک دانش یا قلمروهای دیگر فرقی نمی‌کند.

# توجه به سیر تاریخی

توجه به سیر تاریخی و گذر زمان‌بر یک مسئله ابعادی را در آن مسئله یا در آن باب و فصل یا در آن علم و دانش روشن می‌کند. بنابراین بررسی تاریخ یک تک گزاره و تک مسئله در سطح اول یا سطح بالاتری در یک باب و کتاب و فصل در یک علم در سطح دوم، یا در سطح بالاتر بررسی یک علم و دانش و ملاحظه آن مراحلی که بر آن گذشته است، این‌ها هرکدام آثار و دستاوردهای خود را دارد.

# سیر تاریخی عندالخاصة

و اصل اینکه ما در یک مسئله یا در یک فصل یا باب یا در یک علم گذشته را ببینیم و سیر آن را ملاحظه کنیم، سابقه تاریخی دارد، همیشه این مسئله بوده است. البته در دوره جدید مقداری در روش‌های بررسی‌های غربی‌ها این مسئله برجسته‌تر شده است. شاید توجه بیشتری به این مسئله شده است. ولی اصلش سابقه دارد، در خود کتب فقهی ما مخصوصاً این مسئله بیشتر نمودار بوده، چون می‌خواهند اقوال را بگویند، معمولاً همراه اقوال طوری به سیر تاریخی هم توجه شده است. گرچه همیشه این‌طور نیست.

## مفهوم فلسفه علم

گاهی تاریخ یک علم هم جزء فلسفه آن علم به شمار می‌آید. مثل‌اینکه در معنای عام متدولوژی، علم و روش تحقیق آن علم هم در فلسفه آن علم قرار می‌گیرد. این‌یک معنای عام از فلسفه فقه است که طبق این معنای عام هم متدولوژی و روش تحقیق علم، تاریخ و سیر تطور علم، جزء فصول و عناوین داخل در مفهوم فلسفه علم محسوب می‌شود. اما در اصطلاحات خاص‌تری که رواج نیز دارد، فلسفه علم که اطلاق می‌شود، تاریخ علم را از جدا می‌سازند و بیرون از آن قرار می‌دهند.

## جمع‌بندی

بنابراین تاریخ فقه دانشی بیرون از فقه و ناظر به کلیت فقه است و ثانیاً اینکه بنا بر یک اصطلاح پاره‌ای و بخشی از فلسفه فقه است. اگر فلسفه فقه را خیلی عام معنا کنیم و بنا بر اصطلاح خاص‌تر در فلسفه علم و فلسفه فقه تاریخ فقه از آن بیرون می‌رود که در فلسفه‌های غرب معمولاً بدین گونه است.

در کنار این امور نگاه تاریخی نیز به فقیه کمک می‌کند که بتواند مسائل را بهتر ببیند. هرچند که مدعی نیستیم که تأثیر این امر در اجتهاد مثل تأثیر اصول یا لغت است.

البته این تأثیرات می‌تواند کم یا زیاد باشد. در مسئله تاریخ علم، نحوه تعامل عامه با یک مسئله در نزد آقای بروجردی از اهمیت بالایی برخوردار بود برخلاف آقای خویی و تبریزی که برایشان این مسئله از چندان اهمیتی برخوردار نبوده است.

### تقسیمات تاریخ

تاریخ را از یک منظر می‌توان به نقلی، توصیفی و تحلیلی تقسیم نمود. در فقه نیز همانند هر علم دیگری نگاه تحلیلی به تاریخ وجود دارد که اگر به همراه تاریخ تحلیل نیز ضمیمه شود، اثر بررسی تاریخی افزایش خواهد یافت. و در این میان هرچه مقطع تاریخی بزرگ‌تر دیده شود، تفاوت ادوار ملموس‌تر خواهد شد.

به‌عنوان‌مثال اگر مقنعه مرحوم مفید با مکاسب مقایسه شود، فرق به‌وضوح مشاهده می‌شود اما ابن ادریس و محقق آثارشان چنان فرق ملموسی ندارد. این مراحل به‌هم‌پیوسته رشد کردند و جدایی‌ها در این رهگذر به نحو نسبی است. البته نگاه مکتب ساز و جریان شناس به فقه نیاز به این دارد که ملاک و معیارهایی مشخص شود و سپس بر اساس آن گفته شود که این موارد در چه دسته‌بندی‌هایی قرار می‌گیرد.

### تأثیر و تأثر در نقلیات

این نکته نیز نباید مورد غفلت واقع شود که در خود علوم نقلی تأثیر و تأثراتی وجود داشته است. به‌خصوص در اصول و فقه که این زمینه در آن‌ها از قوت بالاتری برخوردار بوده است حتی علوم عقلی نیز از نقلیات تأثراتی داشته‌اند به‌عنوان‌مثال ملاصدرا که نماد عقل‌گرایی ماست در باب اجتهاد و تقلید تأثراتی اخباری داشته است.

### نگاه تحلیلی تاریخی در فقه

مسئله چهارم در این نگاه تاریخی و تحلیل تاریخی فقه همان نگاه عقلی و کاربرد عقل است. این هم باید خیلی به آن توجه بشود، با آن ملاحظاتی که دارد. امر دیگر در این تطور تاریخی آن نگاه مقارنی و تطبیقی خاصه و عامه است که دیده بشود که این نگاه مقارن در این ادوار چه وضعیتی داشته است، هم ضمن مسائل هم به‌صورت نگاشته‌های مستقل، کمابیش روی این کارشده است و باید در تطور تاریخی فقه به این توجه بشود.

### توجه به تطورات تاریخی

 و همین‌طور آن نگاه که در خود این ادوار نگاه مکتبی داشته باشیم این هم یک محور است. و یک نکته مهم در ادوار فقه این است که کدام ابواب فقه در این تطور تاریخی چاق و لاغر می‌شدند، یعنی کدام برجسته می‌شده، کدام ضعیف می‌شده، به محاق می‌رفته و ابوابی که متولد می‌شده یا از بین می‌رفته است. یا برجسته می‌شده یا کم توجهی به آن می‌شده است و دلایلی که این امر ازنظر تاریخی و اجتماعی داشته است.

این هم‌محوری است که در تطور تاریخی باید به آن توجه بشود.

### لزوم طبقه‌بندی فقه

در تاریخ فقه چند موضوع خیلی مهم است. یکی اینکه طبقه‌بندی فقه چه وضعیتی را داشته است، اصلاً تعداد ابواب، طبقه‌بندی، از کجا شروع می‌شود، به کجا ختم می‌شود. این‌یک چیزی است که در این سیر تطور تاریخی باید دیده بشود. کم‌وبیش هم این کار انجام‌شده است. این طبقه‌بندی‌ها را از آن فصل عصر حضور بگیرید تا فصل بعد از حضور و عصر غیبت و آن مراحل شش‌گانه‌ای که اینجا گفته‌شده است.

بعضی پنج تا ده مورد را ذکر کرده‌اند. اما یک بخشش این است که ببینیم این تبویب و طبقه‌بندی‌ها چه وضعیتی داشته است. این‌یک مسئله است. یک محور دیگر در این تاریخ نگاه مسئله و قاعده است و اینکه نگاه به‌قاعده فقهی کی پیدا شد؟

### تاریخ پیدایش قواعد فقهی

مشهور این است که قواعد فقه بیشتر از زمان شهید تقریباً یک هویت مستقلی پیدا کرد و یک مسیر تکاملی طی کرده است. این مشهور است، نکته مهم در اینجا فقه القرآن یا آیات الاحکام است که در فقه چه توجهی به حوزه قرآن شده است، این هم یک محور است که قابل‌تأمل است. تا حدی هم روشن است که در چه مقاطعی به فقه القرآن توجه شده است و البته این را باید جدی دانست که فقه القرآن ما بسیار لاغر و ضعیف است.